



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال یازدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۲۴

پیدایش یک حاشیه شهر بر پیکر کلان شهر مشهد:

تحلیلی جامعه‌شناختی - اقتصادی از فرایند شکل‌گیری محله قلعه‌خیابان در شهر مشهد

احمد رضایی فرخند (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

Ahmad.ramezani60@gmail.com

حسین اکبری (دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

h-akbari@um.ac.ir

مجید فولادیان (دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

fouladiyan@um.ac.ir

میثم موسایی (استاد اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

mousaaei@ut.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۰۴/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

صص ۲۵-۴۷

چکیده

حاشیه شهر مشهد مجموعه‌ای از مراکز جمعیتی است که طی سال‌ها پیرامون کلان‌شهر مشهد گسترش یافته است و معضلات گوناگونی را برای کلان‌شهر مشهد پدید آورده است؛ بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناسی اقتصادی فرایند شکل‌گیری و تداوم محله قلعه‌خیابان در شهر مشهد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محلات حاشیه‌نشین، با استفاده از رویکرد تفسیری و روش تحقیق کیفی و بر پایه مطالعه اسناد و مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ نفر از نخبگان، ساکنان و مطلعان از محله قلعه‌خیابان انجام شده است. مصاحبه‌ها به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و تا رسیدن به اشباع نظری انجام شده است. نتایج تحقیق استخراج ۸۲ مقوله فرعی، ۲۸ زیر مقوله و ۱۰ مقوله اصلی را نشان داد. نتایج نشان داد سیاست‌های دولت، سیاست‌های مدیریت شهری، سیاست‌های آستان قدس و وجود روستای قلعه‌خیابان بسترهای لازم جهت شکل‌گیری اولیه محله قلعه‌خیابان را آماده نموده است. در مراحل مختلف تاریخی و به‌دلیل تحولات و سیاست‌های اصلاحات ارضی، جنگ در افغانستان، سیاست‌های قلع مدیریت شهری و ادغام نشدن پردشدگان در اجتماع و اقتصاد شهر مشهد، باعث ایجاد و تقویت موج‌های مهاجرتی گروه‌های اجتماعی و اقتصادی مختلف مانند افغان‌ها، چلوها، بلوچ‌ها، بیکاران و مطرودین شهری به محله قلعه‌خیابان شده و در کنار گسترش خشکسالی در سایر نواحی کشور، وجود گمنامی، وجود پیوندهای خویشاوندی با ساکنین یا مهاجرین پیشین و گسترش مشاغل غیررسمی و ایجاد یک زیست بوم اقتصادی ادغام نشده در اقتصاد شهری، موجب تداوم و تثبیت حاشیه‌نشینی و در نهایت شکل‌گیری یکی از مهمترین محلات حاشیه شهر مشهد شده است.

کلیدواژه‌ها: تحقیق کیفی، حاشیه‌نشینی، شکل‌گیری، شهر مشهد، محله قلعه‌خیابان.

۱. مقدمه

حاشیه‌نشینی یکی از پیامدهای منفی انقلاب صنعتی است. پیدایش حاشیه‌نشینی به شهرهای کشورهای صنعتی و غربی نسبت داده می‌شود، اما سهم عمده جمعیت حاشیه‌نشین دنیا در حال حاضر در کشورهای در حال توسعه وجود دارد (زنجان، ۱۳۷۱، ص. ۵). حاشیه‌نشینی در ایران پدیده‌ای است که پس از ورود و استقرار سرمایه‌داری وابسته و رشد جمعیت شهری به ویژه از اوایل قرن حاضر (۱۳۲۰ شمسی) به وجود آمده است (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹، ص. ۳)؛ یعنی زمانی که گسترش تأسیسات شهری و شبکه ارتباطی و همچنین افزایش درآمد نفت موجب رونق شهرها و ایجاد جاذبه‌های شهری شد و از سوی دیگر، اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون دافعه روستایی را تشدید کرد (احمدیان، ۱۳۸۲، ص. ۲۷۷)؛ بر همین مبنای جمعیت شهری ایران از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسید (مرکز آمار ایران، ۱۳۳۵، ۱۳۹۵). گسترش شهرنشینی به همراه نبود برنامه‌ریزی و نبود مدیریت حاشیه‌نشینی سبب شده است که امروزه بیشتر شهرهای کشور به نوعی با معضل حاشیه‌نشینی روبه‌رو باشند (محسنی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۵)؛ به گونه‌ای که جمعیت حاشیه‌نشین در کشورمان از ۷/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ به ۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است؛ یعنی از هر چهار ایرانی یک نفر در حاشیه شهرها سکونت دارند (لوح فشرده آمارنامه حاشیه شهر مشهد، ۱۳۹۹).

حاشیه‌نشینی در کلانشهر مشهد همواره یکی از معضلات اصلی پیش روی مدیریت شهری و کشوری به شمار می‌آید که ساماندهی آن همواره پاشنه‌آشیل مدیریت شهری به شمار می‌رود. امروزه حاشیه‌نشینی مانند کمربندی دور تا دور شهر مشهد را در بخش‌های شمال، شمال شرق و شمال غرب در هشت پهنه و ۶۶ محله شهری به وسعت ۳۸۹۴ هکتار فراگرفته است. مرور داده‌های جمعیت شناختی سرشماری نفوس و مسکن حاکی از آن است که در دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۵۵؛ جمعیت حاشیه‌نشین شهر مشهد از ۴۶,۲۶۲ به ۱,۱۹۳,۱۹۶ نفر افزایش یافته است که این میزان جمعیت در بازه زمانی ۴۰ ساله، از ۷ درصد مجموع ساکنین شهر مشهد به ۳۹ درصد افزایش یافته است، به عبارت دیگر جمعیت حاشیه‌نشین شهر مشهد در طول این دوره زمانی ۲۴.۷ برابر شده است، در صورتی که درصد رشد جمعیت در سایر مناطق شهری در این بازه زمانی معادل ۱/۸ درصد رشد بوده است. لذا نحوه پیدایش، بازتولید و تداوم مناطق حاشیه‌نشین، مهم‌ترین پرسشی است که پژوهشگران شهری با آن روبرو هستند.

صاحب نظران دیدگاه بوم‌شناختی از قبیل کلینارد^۱، مکتیاش^۲، ورث^۳، برگس^۴ و هویت^۵ (کلینارد^۶، ۱۹۶۶، ص. ۱۸). در پاسخ به این پرسش، مهم‌ترین علل پیدایش مناطق حاشیه شهر را مهاجرت از روستا به شهر، تغییر در نحوه استفاده از زمین‌های شهری، تغییر در وضعیت اجاره، دسترسی راحت‌تر به محل کار، کمبود مسکن و مواردی از این

1. Clinard
2. Machintosh
3. Wirth
4. Burgess
5. Hoyet
6. Clinard

دست می‌داند. در مقابل نظریه‌پردازانی از قبیل روستو^۱، ترنر^۲، آبرامز^۳ و لوئیس^۴ که از نظریه‌پردازان دیدگاه لیبرالیستی هستند (فگو^۵، ۲۰۰۷). پیدایش سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین را فرایندی طبیعی تلقی می‌کنند (پیران، ۱۳۷۳، ص. ۹۷) و از آن به‌مثابه معلول عوامل داخلی در کشورهای جهان سوم و در جهت گذار از جامعه سنتی به جامعه‌ای صنعتی به‌عنوان ضرورتی در فرایند این تحول نام می‌برند (احمدی‌پور، ۱۳۷۴، ص. ۳۴). صاحب‌نظران دیدگاه رادیکال اسکان در مناطق حاشیه‌نشین در جهان سوم را از یک سو معلول مناسبات و روابط بین‌المللی و قدرت‌های مسلط جهانی و از سوی دیگر معلول ویژگی‌های ملی می‌داند (احمدی‌پور، ۱۳۷۴، ص. ۳۴). رادیکالیست‌ها مهاجرت‌ها را ناشی از خصوصیات کارکردی شهرها نمی‌دانند؛ بلکه ساختار اقتصادی نابسامان کشورهای در حال توسعه را که ناشی از ادغام این کشورها در نظام اقتصادی و تجارت جهانی است، در این امر دخیل می‌دانند (محمد و مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۷، ص. ۱۵).

نظریه‌پردازان دیدگاه سیستمی نیز پیدایش مناطق حاشیه‌نشین را محصول روابط نابرابر عناصر (اجتماع، دولت، اقتصاد و فناوری) در جریان سیستم می‌دانند که در بروز مهاجرت به‌عنوان عامل پیدایش حاشیه‌نشین مؤثرند (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹، ص. ۲۶). طرفداران نظریه اقتصاد سیاسی فضا نیز بر این اعتقادند که باید پیدایش مناطق حاشیه‌نشین ناشی از مهاجرت از نقاط محروم به نقاطی که انباشت سرمایه در آنجا صورت گرفته است، دانست؛ در نتیجه حاشیه‌نشین محصول مستقیم روابط سرمایه‌داری و شبه‌سرمایه‌داری است که به دلیل حمایت‌نکردن نهادهای رسمی و قانونی از اقشار بهره‌ده، آن‌ها از قافله توسعه عقب مانده‌اند یا رانده شده‌اند (شریعت‌زاده، ۱۳۸۲، ص. ۲۴۵).

پژوهش‌های موحد و ظریفی (۱۳۹۱)، زنگی‌آبادی و مبارکی (۱۳۹۱)، ژان کلود^۶ (۲۰۱۰)، ژانگ^۷ (۲۰۱۱)، آر می بن^۸ (۲۰۱۲)، اکبری و قربانی (۱۳۹۹)، حسین‌زاده یزدی و یعقوبی (۱۳۹۹) و بهمنی و مولتفت (۱۳۹۹) شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشین را بررسی نموده‌اند. در این پژوهش‌ها که غالباً از روش‌های تحقیق کمی بهره گرفته‌اند، تلاش شده است از طریق آزمون‌های آماری، مهم‌ترین علل پیدایش حاشیه شهرها شناسایی شود. نتایج یافته‌های این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که گسترش فقر و بیکاری در روستاها، مهاجرت بی‌رویه، پاسخگونی نبودن ظرفیت شهری به نیاز مهاجران، وجود باندهای زمین‌خواری و قدرت، ناتوانی مهاجران برای جذب‌شدن در محیط شهری و طردشدن آن‌ها، تغییرات اقلیمی، خشکسالی، جاذبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر، از مهم‌ترین عوامل پیدایش مناطق حاشیه شهر می‌باشد.

1. Rostow
2. Ternner
3. Abrams
4. Lewis
5. Fegue
6. Claude
7. Zhang
8. Armiah

نکته مهم درباره پژوهش حاضر این است که در هیچ کدام از پژوهش های یادشده، فرایند شکل گیری و پیدایش یک محله حاشیه نشین با رویکرد کیفی بررسی نشده است؛ بنابراین تمرکز بر یک محله خاص و استفاده از روش تحقیق کیفی را می توان به عنوان وجهه متمایز و نوآورانه پژوهش حاضر برشمرد. لذا در این پژوهش تلاش شده است تا شکل گیری و تداوم «محله قلعه خیابان» را به عنوان یکی از محلات حاشیه نشین در شهر مشهد که با جمعیتی بیش از ۳۳۰۰۰ نفر حاشیه نشین در مساحتی معادل ۱۵۲ هکتار به عنوان محدوده منفصل شهری در قسمت جنوب شرقی مشهد قرار دارد و طی ۶۰ سال گذشته رشد چشمگیر داشته (گزارش طرح تفصیلی شهرک شهید باهنر، ۱۳۹۱) و به یکی از پراسیب خیزترین محلات شهر مشهد تبدیل شده است (اکبری، ۱۳۹۴؛ فولادیان و رضایی بحرآباد، ۱۳۹۸) را مورد تحلیلی جامعه شناختی-اقتصادی بررسی قرار داد؛ بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که فرایند شکل گیری و گسترده گی قلعه خیابان به عنوان یکی از مناطق حاشیه شهر مشهد چگونه بوده است؟

۲. روش شناسی تحقیق

۱.۲. روش تحقیق

روش تحقیق مطالعه حاضر از نظر هدف، کیفی و بر پایه مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته است. در این مطالعه برای جمع آوری داده ها از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شد و با توجه به اهمیت نظرات نخبگان و پژوهشگران عرصه شهری و حاشیه شهر و به ویژه شناسایی و ارتباط با ساکنان و مطلعان قدیمی محله قلعه خیابان به عنوان مصاحبه شوندگان، از روش نمونه گیری گلوله برفی استفاده شد. مشارکت کنندگان در این مطالعه ۲۱ نفر از مطلعان، نخبگان، ساکنان و ذی نفعان مرتبط با حاشیه شهر و به ویژه محله قلعه خیابان بودند که از طریق مصاحبه با آنها برای محقق پژوهش حاضر اشباع نظری حاصل شد. ویژگی های جمعیت شناختی این افراد به عنوان مشارکت کنندگان در این پژوهش، در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در پژوهش

گروه بندی		تحصیلات				سن (سال)			جنس	
ساکنان قدیمی محل و اعضای شورای محلات	نخبگان حوزه شهری	پژوهشگران و نخبگان حاشیه شهر	کارشناسی ارشد و بالاتر	کارشناسی	کمتر از دیپلم	بیشتر از ۴۵	۴۵-۳۱	۳۰-۱۵	زن	مرد
۱۱	۴	۶	۹	۱۰	۳	۱۶	۵	۱	۶	۱۵

جهت تدوین مصاحبه نیمه ساختار یافته پس از ورود به میدان تحقیق چک لیست سوالات و یافته ها حداقلی اکتساب و سپس هشت سوال به عنوان سوالات مصاحبه نهایی انتخاب شدند که چیدمان سوالات طوری بود که

دارای یک فرایند آغاز و پایان باشد. به طوری که یک سوال کلی و سوالات بیوگرافیک شروع شده و در ادامه با سوالات تعاملی، کاوشی و انگیزشی مصاحبه شونده را به سمت ادامه مصاحبه سوق می‌داد. این مصاحبه‌ها دربرگیرنده سوالاتی چون "اگر بخواهید خودتان را در چند ویژگی توصیف کنید، چطور توصیف می‌کنید؟" "از محله قلعه خیابان چه چیزی می‌دانید، چه شناخت و یا خاطراتی از این محله دارید؟". این سوال کلی و بیوگرافیک کمک کرد که ضمن آشنایی با مشاهده شونده، میزان تسلط ایشان به موضوع مورد مصاحبه را ارزیابی قرار گیرد.

در ادامه در فرایند مصاحبه، برای فهم تخصصی‌تر موضوع تحقیق، به تدوین پرسش‌های تعاملی اقدام شد، بگونه‌ای که در اینگونه پرسش‌ها تمرکز محققین بر روی مشاهدات، مرور نوشته‌های پیشین و مصاحبه‌ها بود که در مراحل اکتشافی به دست

آمده بود و در همین راستا در زمان مصاحبه، سه پرسش تعاملی از مشارکت کنندگان پرسیده شد که عبارتند از: «عده‌ای می‌گویند اینجا قدمتی بیشتر از ۴۰۰ سال داشته و فارس‌ها اولین ساکنین این محله بودند، شما خاطره‌ای دارید که ما را در این قسمت یاری رساند؟»

«بر اساس اسناد که ما یافت کردیم، چلوها، افغان‌ها و بلوچ‌ها به این محله مهاجرت کردند، شما در این مورد چه اطلاعاتی دارید، آیا بجز این اقوام کسان دیگری هم به این محله مهاجرت کردند»

«آیا سیاستهای دولتی، به‌اندازه سیاستهای استان قدس یا شهرداری بر شکل‌گیری این محله تاثیر گذار بود»

پرسش‌های انگیزشی، پرسش‌های را شامل می‌شود که به مصاحبه‌شونده کمک می‌کند تا ضمن یادآوری مولفه‌ها و شاخص‌های مختلف موضوع تحقیق بتواند به آن پرسش‌های تحقیق پاسخ گفته، بصورتی که این پرسش‌ها به او نکاتی را که فراموش کرده یادآوری می‌کند و او را تشویق به جواب دادن می‌کند.

«اگر یادتان باشد، شما داشتید فرایند تاریخی شکل‌گیری را بیان می‌کردید، از دهه، ۵۰ یا ۶۰ چه چیز دیگری خاطرتان هست»

در این پژوهش به دلیل ماهیت موضوع و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها (مصاحبه نیمه ساختاریافته) از تحلیل مضمون^۱ بهره گرفته شد. تحلیل مضمون از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است. تحلیل مضمون عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگوییابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنج‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد (محمد پور، ۱۳۹۲: ص. ۶۶). برای این منظور محققین به طور همزمان بر روی پیوستار، نگاه از درون و بیرون میدان به متن حرکت کرده و با ساخت و تدوین مقوله‌ها مستخرج از طریق کدگذاری و گروه‌بندی مقوله‌ها به کشف معانی و تم‌های زیرین اقدام نموده و در ادامه هر یک از مقوله‌های اصلی را به صورت تحلیلی جامعه‌شناختی در بازه‌های زمانی تاثیرگذار مورد بررسی گرفته شد.

آنچه در شبکه مضامین این پژوهش عرضه گردید، نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان دهنده و روش نمایش است. به گونه‌ای که بر اساس روندی معین، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان

دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام‌مند نموده است، سپس این مضامین با توجه به پیچیدگی داده‌ها و معطوف به هدف تحلیلی به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده شد.

۲.۲. معرفی قلمرو تحقیق

جامعه آماری پژوهش حاضر، محله «قلعه خیابان» یا «شهرک شهید باهنر» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محلات حاشیه‌نشین در شهر مشهد بود. در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران تا سال ۱۳۸۵، این شهرک به نام روستای «قلعه خیابان» به‌عنوان زیرمجموعه دهستان میامی از بخش رضویه شهرستان مشهد شناخته شده است، اما این شهرک از تیرماه ۱۳۸۹ به محدوده شهری افزوده شد و از خدمات شهرداری برخوردار شد. این محله با تراکم نسبی ۲۷۴ نفر در هر هکتار، در حاشیه شهر مشهد واقع شده است. از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی این محله می‌توان به وجود مشکلات کالبدی، مشکلات امکانات شهری، مشاغل غیررسمی، آسیب‌های اجتماعی، بافت قومیتی (متشکل از اقوام فارس، بلوچ، افغان و چلو)، بی‌هویتی، اعتیاد و تنوع مذاهب (شیعه و سنی) اشاره کرد (شریفی پستیچی، جوان، شایان و رهنما، ۱۳۹۴، ص. ۹).



شکل ۱. نقشه محدوده مورد بررسی در کلان‌شهر مشهد مأخذ: (دبیرخانه شورای اجتماعی محلات، ۱۴۰۰)

براساس آمار سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، محله قلعه خیابان ۳۳۹۴۴ نفر جمعیت داشته است که ۱۷۱۲۱ نفر از این جمعیت را مردان و ۱۶۸۲۳ نفر را زنان تشکیل دادند. از مهم ترین ویژگی های جمعیت شناسی مطابق با جدول شماره ۲، در محله قلعه خیابان می توان به موارد ذیل اشاره داشت: تمرکز جمعیت در گروه سنی صفر تا ۴ سال و ۲۵ تا ۲۹ سال، نزدیک به ۷۰۰۰ هزار نفر بی سواد (زن ۳۹۰۳ و مرد ۳۰۳۷ نفر)، بیش از ۱۱۵۰۰ نفر شاغل (۸۲۹۳ مرد شاغل و ۲۲۲۱ زن شاغل)، بیش از ۱۲۰۰ نفر بیکار، ۱۶۳۸ نفر مهاجر خارجی رسمی و بیش از ۸۰۰۰ مسکن که غالب آن ها کمتر از ۷۵ متر مساحت دارند (ریزدانگی).

جدول ۲. مشخصات جمعیت شناسی ساکنان محله قلعه خیابان

متغیرهای جمعیتی	وضعیت سواد		فعالیت							
	باسواد	بی سواد	جمعیت شاغل مرد	جمعیت شاغل زن	جمعیت بیکار مرد	جمعیت بیکار زن	محصل	خانه دار	دارای درآمد بدون کار	کل مهاجران قانونی
تعداد	۲۱۳۲۰	۶۹۴۰	۸۲۹۳	۲۲۲۱	۹۱۹	۱۴۷	۳۴۷۴	۸۱۷۱	۱۶۸۳	۱۶۳۸
درصد	۷۵٪	۲۵٪	۷۹٪	۲۱٪	۸۶٪	۱۴٪				

مأخذ: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

۳. یافته ها

همچنان که در جدول شماره ۳ مشاهده می نمایید، در فرایند کدگذاری صورت گرفته با ۸۲ مقوله فرعی، ۲۸ زیر مقوله و ۱۰ مقوله اصلی روبرو گردید، که یافته های این قسمت در دو گروه قابلیت تحلیل جامعه شناسی دارد: الف- چگونگی شکل گیری محله قلعه خیابان به عنوان روستا و ب- چگونگی تغییر شکل دادن یا تبدیل محله قلعه خیابان به منطقه ای در حاشیه شهر مشهد که به ترتیب شامل این موارد می شود: اصلاحات ارضی، مهاجرین ادغام نشده، امنیت داخلی و ناامنی خارجی، سیاست های مهاجرت اجباری، تکنولوژی و مهاجرت صاحبان صنایع سستی، سیاست قلع و هجوم طردشدگان شهری، بحران منزلتی ساکنان قدیمی و مهاجرت معکوس، مهاجرت قوم بلوچ، اتخاذ سیاست های پذیرش حاشیه به عنوان محدوده شهری و مشخص کردن مرز شهری.

جدول ۳. مقولات چگونگی فرایند پیدایش و بازتولید محله قلعه خیابان

مقوله اصلی	زیر مقوله	مقولات فرعی
پیدایش روستا	جنبه های مذهبی شهر مشهد	دستور شاه عباس، کشاورزان اصیل، سکونت آبیاران، شکل گیری قلعه، سکونت در اطراف مسجد شیعیان
اصلاحات ارضی	سیاست اعطای زمین مهاجرت روستائیان مهاجرت مطرودین	وجود زمین های کشاورزی، حضور خوشه نشینان، بی آبی، تقسیم زمین بزرگ مالکان، سکونت دو قشر آبیاران و خرده کشاورزان، مهاجرت غربت ها، تربتی ها و گنابادی ها، نداشتن مهارت و سرمایه انسانی، کاهش بازده

مقوله اصلی	زیر مقوله	مقولات فرعی
		زمین، کار در کوره پزخانه ها، پایه گذاری حضور گروه های طرد شده شهری،
توسعه شهرسازی	ساختمان سازی مهاجرت روستائیان شکل گیری حلیی آباد	تراکم جمعیتی، مهاجرت روستائیان برای کار ساختمانی، کار در منازل، تشدید خشکسالی در استان های جنوبی، قیمت کم زمین، مهاجران جدید، چندپاره شدن هویت سنتی قلعه خیابان، از بین رفتن نظم، شکلگیری چادرنشینی، حلیی آباد، تشدید مهاجرت روستائیان جنوب استان،
امنیت داخلی و نامنی خارجی	مهاجرت خارجی ادغام اقتصادی و اجتماعی در محله شبکه های اجتماعی و پیوند فرهنگی	مسیر منتهی به مشهد، حضور افغان ها اولیه دوران قاجار، فعالیت فروش پوست، تصرف خزنده افغان ها، مهاجرت افغان ها به محله، جنگ داخلی در افغانستان، کودتا، نبود برنامه ریزی و نظارت دولت و آستان قدس، شبکه خویشاوندی افغانها در محله، پیوندهای مذهبی، فرصت اشتغال.
سیاست های مهاجرت اجباری	مهاجرت گروهی اجباری تفاوت در فرهنگ و سبک زندگی جرم خیزی به واسطه گنای آستان قدس و سیاست فقر زدایی	مهاجرت اجباری چلوهوا، عدم ادغام اقتصادی و اجتماعی، فاقد شناسنامه و برگه هویتی، حضور پاکستانی ها، تفاوت در مذهب، سبک زندگی متفاوت، جرم خیزی به واسطه بدون هویت بودن، تمایز با ساختارهای اجتماعی قبل، گمنامی، حضور خلاف کاران در پوشش چلوهوا، ناراضی ساکنین اصیل، سیاست های فقرزدایی آستان قدس، پاسخگو نبودن ظرفیت شهری.
رشد تکنولوژی و مهاجرت اجباری صاحبان صنایع	مهاجرت صاحبان صنایع سنتی عدم تقاضا در محیط شهری رشد تکنولوژی مدرن	تغییرات تکنولوژی، به حاشیه راندگی صنایع سنتی، تولید صنایع برای کشاورزان، واگذاری زمین ها به واسطه بدهی. تغییر ساختار.
سیاست قلع و عدم ارائه خدمات	سیاست های سخت گیرانه در محیط شهری مهاجرت فقرا هجوم طردشدگان شهری	سیاست های قهری در محیط شهری، عدم نظارت و برنامه ریزی برای روستا قلعه خیابان، هجوم طرد شدگان به واسطه ارزانی زمین، تقطیع و فروش سود طلبانه، عدم نظارت بخشداری، دسترس پذیری، ارزانی زمین، حضور فقرا، کاهش انسجام، تنوع سکنه. کوچک شدن زمین ها.
مهاجرت معکوس	از بین رفتن امنیت بحران منزلتی ساکنان کاهش تعاملات سنتی سیاست های آستان قدس	سیاست اعطای زمین به آبیاران آستان قدس، گسترش ناپهنجاری، احساس محرومیت، عدم امنیت، کاهش تعاملات دوستانه، مهاجرت به شهر، مهاجرت به بخش رضویه. از بین رفتن انسجام جامعه سنتی
مهاجرت قوم بلوچ	سیاست های کشوری خشکسالی پیوندهای اجتماعی	نبود نظارت، مسیر ارتباطی با روستاها و شهرهای شرق، خشکسالی، وضعیت بد اقتصادی، شناخت از جامعه مقصد، مسدود کردن مرز، کاهش قاچاق به عنوان محل درآمد، نظام خویشاوندی.
اضافه شدن به محدوده شهری	افزایش قیمت مسکن ارائه خدمات شهری	نابسامانی کالبدی، تغییرات بافت جمعیتی، ارائه خدمات، افزایش قیمت مسکن، تغییر اهنگ مهاجرت، بیش از ۵۰ هزار جمعیت، عدم توانایی مدیریت سنتی، ناتوانی بخشداری، افزایش تراکم جمعیتی

همچنان که در شکل ۲ مشاهده می شود، یافته های کیفی تحلیل مضمون را با مقولات اصلی در شکل گیری و پیدایش محله قلعه خیابان روبرو نمود که نه تنها در یک دوره زمانی سبب تغییرات و دگرگونی در محله قلعه خیابان

شده است، بلکه فرایند تحولات و خط سیر تاثیرات آن در دهه‌های آتی همچنان وجود دارد؛ در ادامه این تحولات و عوامل مؤثر بر آن‌ها به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.



شکل ۲. خط سیر تحولات مؤثر بر پیدایش قلعه‌خیابان

۱.۳. سیر تاریخی پیدایش و شکل‌گیری محله قلعه‌خیابان

ریشه پیدایش و شکل‌گیری محله قلعه‌خیابان به‌عنوان یک واحد روستایی در دوره صفوی تخمین زده شده است. سیدی^۱ که از مشاهدشناسان به نام می‌باشد، در مصاحبه به این موضوع اشاره کرد: - پس از آنکه شاه‌عباس در کوهسنگی تاج‌گذاری کرد، نذر کرد چنانچه او را به‌عنوان پادشاهی ایران بشناسند، با پای پیاده به پابوسی امام رضا (ع) مشرف شود و مشکل کم‌آبی مشهد را برطرف کند. او پس از مشرف‌شدن به مشهد اولین خیابان شهر مشهد را به طول تقریباً سه کیلومتر از دروازه قوچان (میدان توحید فعلی تا دروازه بالانخیابان (حدود پنجراه کنونی) احداث کرد و با حفر کانالی در میان آن آب چشمه گلسب (چشمه‌گیلاس) را به مشهد منتقل کرد. او سپس مقدار وسیعی از اراضی بیرون دروازه پایین‌خیابان را خرید و به آب مزبور اختصاص داد تا با آن زارعت شود و حاصلش صرف دادن طعام رایگان به زوار حرم حضرت رضا (ع) شود.

در وقف‌نامه آب خیابان، مورخ ۱۰۲۳ ه. ق. نیز به این اراضی که از دروازه پایین‌خیابان به طرف سرخس چهار فرسخ طول و حدود پنجاه کیلومتر پیرامون دارد و با ۲۰ روستا هم‌جوار بوده است، اشاره شده است (مولوی، بی‌تا، ص. ۴۷)؛ بنابراین پیدایش این روستا را باید به‌واسطه نوع سیاست‌گذاری شاه‌عباس صفوی در سال ۱۰۱۰ قمری/

۱. این مصاحبه توسط نویسنده اول مقاله با آقای سیدی در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۲ انجام شد.

۱۶۰۱ میلادی دانست؛ به عبارتی بیش از ۴۰۰ سال از حیات روستای قلعه‌خیابان می‌گذرد. در این دوره تاریخی، افراد ساکن در این اراضی را کشاورزانی تشکیل می‌دادند که در این زمین‌ها به کشاورزی مشغول بودند و پس از انقلاب سفید و تقسیم اراضی، مهاجرت روستاییان به این روستا شدت بیشتری یافت (نجف‌زاده، ۱۳۸۸). از این دوره محله قلعه‌خیابان شاهد استقرار و گسترش رشد مهاجران زیادی بوده است که به واسطه تحولات مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در این محله اسکان یافتند. به مرور زمان، تغییرات جمعیتی، ترکیب اقوام و مذاهب، تغییر در روند توسعه کالبدی و فضایی، تغییر در اشتغال و تغییر در شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی روی دادند.

۲.۳. مهم‌ترین تحولات مؤثر بر پیدایش محله قلعه‌خیابان

۱.۲.۳. تحولات اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی به تبع نظریه‌های توسعه روستو^۱ به‌عنوان مرحله ماقبل خیز توسعه، در اسفند ماه سال ۱۳۴۴ با هدف انتقال مالکیت زمین از خوانین و اربابان به تقریباً دو میلیون نفر از رعیت‌ها یا کشاورزان دارای شرایط و در سه مرحله اجرا شد (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۴، صص. ۲۴۴-۲۴۵). تا قبل از اصلاحات ارضی بیشتر، ساکنان محله قلعه‌خیابان را دو قشر آبیاران و کشاورزان زمین‌های آستان قدس و خرده کشاورزان شاغل بر زمین‌های بزرگ مالکان تشکیل می‌دادند. با اجرایی شدن اصلاحات ارضی، علاوه بر خرده مالکان که به تبع تقسیم اراضی به محله قلعه‌خیابان مهاجرت کردند، بخشی از جمعیت که فاقد حق نسق و بهره‌برداری عرفی از زمین بودند (خوش‌نشینان، غربت‌ها و گروه‌های طردشدگان) نیز به این محله مهاجرت کردند و بافت جمعیتی جدیدی را تشکیل دادند. حضور این مهاجران سبب درهم‌شکستن مناسبات کهنه زمین‌داری در این حوزه شد.

تحلیل یافته‌های تحلیل مضمون همچنان نشان می‌دهد که خرده‌مالکان جدید به دلیل نداشتن مهارت و سرمایه انسانی، در سال‌های بعد با کاهش بازده زمین‌ها روبه‌رو شدند که به تبع آن تشدید فقر اقتصادی آن‌ها را به همراه داشت؛ بنابراین این گروه قطعاتی از زمین‌های خود را به مهاجران جدید واگذار کردند. کوچک‌شدن قطعات کشاورزی خرده‌مالکان و مهاجران جدید موجب شد این مهاجران به صورت فصلی در این مناطق مشغول به کار شوند و در فصول سرد سال نیز غالباً در مشهد یا در کوره‌پزخانه‌ها مشغول به کار شوند. واگذاری زمین‌های کشاورزی به مهاجران جدید ضمن اینکه بر میزان تراکم جمعیتی روستای قلعه‌خیابان افزود، به تغییر آهنگ مهاجرت در این محله نیز انجامید؛ به طوری که مهاجران جدید در تعاملات کاری خود در شهر مشهد و کوره‌پزخانه‌ها پای افرادی را به این محله باز کردند که جزو طردشدگان شهر مشهد بودند؛ بنابراین مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر بر این باور بودند که اصلاحات ارضی مهم‌ترین تکانه اثرگذار بر مهاجرت و تغییر بافت جمعیتی محله قلعه‌خیابان را پایه‌گذاری کرده است.

۲.۲.۳. مهاجرین ادغام نشده اقتصادی

در اوایل دهه ۱۳۵۰ هجری شمسی هم‌زمان با تغییرات در ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران، مهاجرت روستاییان به شهر مشهد افزایش یافت؛ مهاجرانی که عموماً در صنعت ساختمان‌سازی یا در مشاغل غیرتخصصی یدی مانند مستخدمی در منازل، سرایداری، باغبانی، پیش‌خدمتی، تکدی‌گری، دوره‌گردی و دست‌فروشی مشغول به کار شدند. این افراد به واسطه قیمت کم زمین ترجیح دادند در این محله مستقر شوند؛ بنابراین پس از استقرار مهاجران جدید شهری، هویت روستای قلعه‌خیابان دچار چندپارگی شد؛ به طوری که حضور اقشار متفاوت با فرهنگ‌های مختلف سبب از بین رفتن نظم پیشین در این محدوده شد. مهاجرانی که با خرید زمین‌های کشاورزی به قیمت بسیار اندکی در محله قلعه‌خیابان ساکن شدند، چادرنشینی، اسکان نامناسب شهری و حلبی‌آباد را برای این محله به همراه آوردند. در این دوره تاریخی این محله نمونه تمام‌عیار گروه‌های ادغام‌نشده در بدنه اجتماعی و اقتصادی جامعه میزبان بود؛ گروه‌هایی که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در بدنه شهر آمیخته و جای‌گیر^۱ نشدند و به حاشیه رانده شدند و کمترین استانداردهای زندگی را داشتند.

رنجبر از مصاحبه‌شوندگان و از کشاورزان قدیمی منطقه قلعه‌خیابان مطرح کرد:

اینهایی که آمدند، تو شهر نوکری می‌کرد، نون نداشتند بخورند. می‌رفتند دم بست (حرم) کارگری.

به پشتوانه حضور این خانواده‌ها (مهاجران طردشده شهری) در این محله، همواره در دهه‌های بعدی موج مهاجرت افراد فاقد سرمایه از روستاهای استان تشدید شد. این مهاجران ارتباط سست خود را با جامعه شهری از سر ناچاری بدون اینکه جذب جامعه شوند، ادامه می‌دادند. این پدیده نه تنها فاصله عمیق و عظیم طبقاتی در این محله را شدت بخشید، بلکه باعث شد اقشار حاشیه‌ای اجتماعی بیش از پیش در برابر جنایت، فساد اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی آسیب‌پذیر شوند.

علی از خیران محله به این موضوع اشاره کرد:

از زمان شاه اینجا خلافکارها آمدند. این‌ها که آمدند با پول خلاف زمین‌ها را کم‌کم خریدند. بعد هم همه قدیمی‌ها که

کشاورزی می‌کردند، از اینجا رفتند.

۳.۲.۳. امنیت داخلی و ناامنی خارجی

یکی از مهم‌ترین تحولاتی که در اواخر دهه ۱۳۵۰ هجری شمسی تأثیر بسیاری بر پیدایش و بازتولید جمعیت حاشیه‌نشین در محله قلعه‌خیابان داشت، تجربه جنگ و ناامنی در افغانستان بوده است؛ به طوری که براساس داده‌های ثبتی، نرخ رشد جمعیت در دهه‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ در این محدوده بیش از ۱۵/۳۸ درصد رشد داشته است (شریفی پستیچی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۹).

افغان‌ها یکی از بزرگ‌ترین مهاجران ساکن مشهد را تشکیل می‌دهند که در دهه‌های مختلف به مشهد مهاجرت کردند و بیشتر آن‌ها در محله‌های طلاب، همت‌آباد، گلشهر، پنج‌تن و قلعه‌خیابان اسکان یافتند (نجف‌زاده، ۱۳۹۲). از سال ۱۹۷۹ به‌دنبال هجوم شوروی به افغانستان، گسترش جنگ داخلی، ویرانی شهرها و روستاها و قحطی، وسعت و پهنه این مهاجرت فزونی گرفت. به گفته کریس جانسون، «از زمان تجاوز شوروی، جنگ در افغانستان باعث شد که بیش از ۶ میلیون نفر از مردم از طریق مرز به ایران یا پاکستان بگریزند» (جانسون، ۲۰۰۴، ص. ۶۶). شهر مشهد در این دوره به لحاظ تعداد خانوارهای مهاجر مقام دوم را در کشور به خود اختصاص داده است (عباسی شوازی، گلزبروک، جمشیدی‌ها، محمودیان و صادقی، ۲۰۰۵، ص. ۷). این مهاجران به‌سرعت وارد مشهد شدند و در مناطق مختلف روستایی و شهری سکونت گزیدند و با جمعیت ساکن مشهد مراودات گوناگون اقتصادی برقرار کردند (نجف‌زاده، ۱۳۸۸، ص. ۲۳۰).

نیک‌شو، از مشارکت‌کنندگان افغان در این مطالعه، تجربه زیسته خود را چنین بیان کرد:

پس از حمله شوروی به هرات، ما مجبور شدیم همراه فامیلیمون که قندهاری بودند به مشهد مهاجرت کنیم. از خویشان قبلاً آمده بودند اینجا.

جنگ و ناامنی در افغانستان بر همه ابعاد زندگی افغان‌ها تأثیر گذاشت؛ به‌صورتی که نظم و ساختار اجتماعی این کشور را بر هم ریخت و افغان‌ها را به محیط امنی کشاند که تجربه سکونت در آن را نداشتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که در تجربه افغان‌ها آنچه بیشتر از پیش مشاهده می‌شود، تجربه اندوه مزمن این افراد متأثر از مهاجرت‌های پی‌درپی، از بین رفتن اموال اقتصادی در جامعه مقصد و ازدست‌دادن منزلت اجتماعی است که سبب شد آن‌ها استراتژی حفظ بقا را جایگزین آن کنند. افغان‌ها در دو نوع قانونی - غیرقانونی و به‌دلیل نبود برنامه‌ریزی دولت، نبود سیاست‌گذاری آستان قدس به‌عنوان مالک زمین‌های کشاورزی این محله، شبکه اجتماعی و خویشاوندی، پیوندهای فرهنگی و پیداکردن شغل به‌واسطه وجود زمین‌های کشاورزی به محله قلعه‌خیابان مهاجرت کردند و بر تراکم جمعیتی این محله افزودند.

برخی مصاحبه‌شوندگان و اعضای فعال شورای اجتماعی محله قلعه‌خیابان بود، در این باره به این نکته اشاره کرد: افغان‌ها اکثراً بعد از جنگ به این منطقه آمدند؛ چون فامیل‌هایشان اینجا بودند. خیلی کاری هستند و همه زمین‌های کشاورزی را خانوادگی گرفتند و به کارکردن شروع کردند.

چون شیعه هستند، اینجا راحت فارسی صحبت می‌کنند، آمدند اینجا.

۴.۲.۳. سیاست‌های مهاجرت اجباری

در اوایل دهه ۱۳۶۰ هجری شمسی مهم‌ترین تحولی که سبب تغییر بافت و نظم اجتماعی و تبدیل روستای قلعه‌خیابان به حاشیه شهر شد، سیاست مهاجرت اجباری چلوها (افراد فاقد هویت) به محله قلعه‌خیابان بود که

مدیریت شهری^۱ این تصمیم را برای رهایی از مشکلات ناشی از حضور آنان در محدوده شهری گرفت. محمدالدین از کسبه و قدیمی های محله قلعه خیابان در این باره بیان کرد:

از وقتی چلوها به این محله آمدند، نظم این محله به هم خورد. اینها که فاقد هرگونه مدرک معتبر بودند، به دستور شهردار وقت از شاهرخ شمالی به اینجا آمدند.

قوم چلوها که براساس مطالعات اسنادی و اکتشافی فاقد هرگونه مدرک شناسایی معتبرند، این قوم تلفیقی از کولی ها، پاکستانی ها و بلوچ ها هستند که به واسطه نوع مذهبشان (سنی)، نوع زبان (پاکستانی)، نوع پوشش، شغل، سبک مصرف و ساختار اجتماعی و خانوادگی از سایر ساکنان منطقه قلعه خیابان متمایزند و روابط اجتماعی این محله را با چالش مواجه کرده اند؛ به طوری که مشاهده ها و نتایج مصاحبه ها نیز نشان می دهد چلوها در طول تقریباً چهل سال گذشته (سال های ۱۳۶۰-۱۴۰۰) در جامعه میزبان پذیرفته نشدند و برای سکنی گزینی و اشتغال با محدودیت مواجه شدند.

ادغام به معنی ترکیب و همانندسازی و درآمیختگی گروه های جمعیتی متفاوت در جامعه است که به ایجاد انسجام اجتماعی و یکپارچگی منجر می شود (شووتر، هان و شورتر^۲، ۱۹۹۴). چلوها به عنوان جمعیتی ادغام نشده، دسترسی به فرصت های اقتصادی محله قلعه خیابان و ایجاد مناسبات اجتماعی کارآمد با جامعه مقصد را از دست داده اند و به گوشه ای از این محله رانده شده اند. این طردشدگی توسط جامعه میزبان تهدیدی برای پیوستگی اجتماعی این محله به وجود آورده است؛ شکافی که با نشانه گرفتن میزان اعتماد، نارضایتی و سرخوردگی را به همراه داشته است.

یافته های مقولات تحلیل مضمون نشان می دهد که حضور چلوها ضمن افزایش سریع جمعیت بی ثباتی، درگیری قومی و نژادی، بی هویتی، تنش های فردی، فضای جرم و جنایت، فقر و تنگدستی، محرومیت و تبعیض را برای این محله به همراه آورده است. علی و محمدالدین از اعضای شورای اجتماعی محله به این نکته اشاره کرد:

ریشه بدبختی، فقر و جرم در این محله، همین قوم چلو هستند. اینها برای خودشان زندگی می کنند و هیچ قانونی را رعایت نمی کنند؛ چون شناسنامه ای ندارند.

- از وقتی چلوها به این محله آمدند، نظم این محله به هم خورد.

۵.۲.۳. تکنولوژی و مهاجرت صاحبان صنایع سستی

مصاحبه های میدانی و مشاهده های محقق مطالعه حاضر مشخص کرد که اواسط دهه ۱۳۶۰ در محدوده قلعه خیابان طبقه اجتماعی متمایزی شکل گرفت. این طبقه که بیشتر شامل صاحبان صنایع سستی و خرد شهری می شدند که به واسطه تغییرات تکنولوژی از اقتصاد شهری طرد شده و در این محله به واسطه حضور کشاورزان ریزدانه حضور یافتند و به اجاره دادن وسایل کشاورزی سستی مشغول شدند.

۱. شهردار وقت آقای صابری فر بوده است که بین سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ موجب مهاجرت قوم چلوها به قلعه خیابان شد.

حیب از مصاحبه‌شوندگان قدیمی محله در این باره بیان کرد:

تقریباً از قبل از انقلاب این‌ها که کلنگ، داس، توپره و خرمن‌کوب و... درست می‌کردند، آمدند به محله قلعه‌خیابان. چون این‌ها توی شهر مشتری نداشتند.

یافته‌های تحلیل مضمون نشان می‌دهد که، مهاجران جدید با توجه به تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، در فضای شهری درآمد زیادی نداشتند و به این محله مهاجرت کردند. صاحبان این صنایع با تولید وسایل صنعتی مورد نیاز کشاورزان و اجاره‌دادن آن‌ها معمولاً درآمد بیشتری در مقایسه با وضعیت خود قبل از مهاجرت و همچنین با کشاورزان بومی به دست می‌آوردند؛ به طوری که تعدادی از کشاورزان در سالهای آینده مجبور شدند به دلیل تنگناهای مالی زمین‌های زارعی خود را ما به ازای بدهی خود به این گروه واگذار کنند. این طبقه اجتماعی پس از تصاحب زمین آن را در اختیار مهاجران جدیدی قرار دادند که در بخش صنایع سنتی در محیط شهری مشغول به کار بودند و بدین واسطه زمینه‌ساز تغییر در ساختار اجتماعی و تراکم جمعیتی در این محله شدند.

۶.۲.۳. سیاست قلع و مهاجرت پردشدگان شهری

در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ جمعیت حاشیه‌نشین در شهر مشهد تقریباً سه برابر شد؛ به طوری که میزان جمعیت حاشیه شهر مشهد به ۴۷۸،۹۹۴ نفر افزایش یافت. در طول این دوران شهرداری و بخشداری مرکزی بارها با اتخاذ سیاست‌های قهری و خدمت‌رسانی نکردن، سیاست‌های تخریب محلات حاشیه‌نشین را اعمال کردند و تنها پس از وقوع حادثه نهم خرداد سال ۱۳۷۱ مدیریت شهری تصمیم گرفت با تساهل و تسامح با حاشیه‌نشینی مدارا کند (رمضانی فرخند، ۱۳۹۷). یافته‌های تحلیل مضمون نشان می‌دهد که در طول این دوره رشد شتابان جمعیت حاشیه شهر مشهد به همراه تعدد مالکیت با مشی‌های گوناگون و همچنین تقطیع و فروش خودسرانه و سودانگاران به افراد حقیقی و حتی هجوم شرکت‌های تعاونی در مناطق حاشیه شهر برای ساخت مسکن، مدیریت شهری را در اداره و کنترل محلات حاشیه‌نشین با مشکل مواجه کرد؛ بنابراین مدیریت شهری سیاست تخریب و خدمت‌رسانی نکردن را برگزید.

حیب از ساکنان محله قلعه‌خیابان در این باره گفتند:

چون شهرداری خیلی سخت‌گیری می‌کرد، آمدم قلعه‌خیابان. خانه‌هاش ارزون‌تر بود. جمعیت این منطقه خیلی زیاد شد؛ چون نمی‌شد جای دیگه‌ای خانه ساخت.

ویژگی‌هایی از قبیل روستا بودن محله قلعه‌خیابان و نبود نظارت بر ساخت‌وساز، دسترسی پذیری، ارزانی زمین و خدمات، گمنامی به همراه سیاست‌های سخت‌گیرانه و قلع در شهر مشهد، سبب شد موج جدیدی از مهاجرت در محله قلعه‌خیابان شکل بگیرد. جمعیتی که در طول این دوران به منطقه قلعه‌خیابان اضافه شدند، غالباً یک ویژگی بارز داشتند و آن «فقر» بود. در واقع تراکم فقر به واسطه حضور پردشدگان اجتماعی روی داد؛ اتفاقی که براساس نظریات جامعه‌شناسی سبب شد ضمن گسسته شدن روابط افراد با هم و گسست در مشارکت آن‌ها، کاهش انسجام و ایجاد

تنوع در این محله روی دهد. پیامد این تغییرات این بود، محله‌ای که ابتدا روستا بود، با توسعه شهرنشینی شکلی متفاوت و ناموزونی از توسعه را تجربه کرد و سبب مهاجرت معکوس ساکنان اصیل آن از این محله شد.

۷.۲.۳. مهاجرت معکوس

از اوایل دهه ۱۳۷۰ هجری شمسی آمارهای جمعیتی تحرک جمعیتی را نشان داده‌اند؛ به طوری که میزان تغییرات رشد جمعیت در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ محله قلعه ساختمان، ۰/۱۵ درصد بوده است؛ در صورتی که این میانگین برای مناطق شهری ۲/۵۷ درصد رشد جمعیتی بوده است (اساس شهر شرق، ۱۳۹۱) که جدا از سیاست‌های کنترل جمعیت در کشور، مهاجرت معکوس بومیان قلعه‌خیابان - که توان مالی بهتری داشتند - به مشهد و شهرک رضویه دلیل اصلی آن بوده است؛ بومیان اصیلی که به دلیل محرومیت محله و رواج ناهنجاری‌های اجتماعی در آن منزلت و جایگاه خود را در خطر دیدند و از محله خود مهاجرت کردند.

رحیم از کسبه محله در این باره بیان کردند:

- پدر و خودم همین‌جا به دنیا آمدیم، ولی از سال ۷۴ از این محله رفتیم. دیگه نمی‌شد اینجا زندگی کرد. همه‌شان فقیر یا خلاف‌کار بودند. ما دیگه امنیتی نداشتیم.

محرومیت ساکنان قدیمی و اصیل محله قلعه‌خیابان از ارزش‌هایی همچون امنیت، وجود تعاملات صمیمانه، همبستگی افراد با هم و شناخت یکدیگر موجب شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی در آن‌ها شد و این امر آن‌ها را از محله خود دور کرد؛ به طوری که این ساکنان در محله‌ای که در آن پرورش یافته بودند احساس می‌کردند از فرصت لازم برای رسیدن به هدف‌های باارزش خود محروم شده‌اند و به مهاجرت روی آوردند.

یکی دیگر از سیاست‌هایی که سبب مهاجرت معکوس و خالی‌شدن بافت قلعه‌خیابان از بومیان اصیل این محدوده شد، سیاست‌های حمایتی آستان قدس رضوی ویژه آبیاران و کشاورزان بومی بود که سال‌ها در این محدوده اسکان و اشتغال داشتند. در حقیقت مناسبات ارضی و ملک داری در این محدوده به ویژه از نظر رابطه بین مالک و مستاجر یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم در شکل‌گیری و پیدایش این محله می‌باشد. با توجه به اینکه این زمین‌ها که در زمره املاک وقفی آستان قدس رضوی در دوره صفوی است، این نهاد در قالب سیاست‌های خیرخواهانه و فقرزدایی خود، برخوردهای متفاوتی با زمین‌داران این محله داشته است، به گونه‌ای که امروز اکثریت زمین‌های این محله متعلق به آستان قدس بوده که به واسطه دادن اجاره بهاء نوع جدید از بهره‌برداری را برای این محله به ارمغان آورده است و از سوی دیگر تهی‌دستان شهری نیز با استفاده از فرصت روستایی بودن این محله در برهه‌های زمانی ده‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۰ به تصرف خزننده این زمین‌ها اقدام نموده‌اند. در حقیقت آستان قدس رضوی در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی و به واسطه در پیش گرفتن سیاست حمایت از فقرا، زمین‌هایی را در بخش رضویه برای حمایت از کشاورزان و آبیاران خود به آن‌ها اعطا کرد که پیامد این واگذاری، مهاجرت این قشر بومی از منطقه قلعه‌خیابان و از بین رفتن هویت روستایی این محله بود.

۸.۲.۳. مهاجرت قوم بلوچ

فرایند مهاجرت زاهدانی‌ها و بلوچ‌ها به محله قلعه‌خیابان در طول چهل سال گذشته همواره ادامه داشته است، اما حضور پررنگ و مشهود آن‌ها در این محله را می‌توان به دو نوع تقسیم‌بندی کرد: ۱- مهاجرت اقلیمی و ۲- مهاجران تأمین معاشی.

مهاجرت اقلیمی: بلوچ‌ها در دوره قاجار از بلوچستان مهاجرت کردند و در تشرشیز، تربت حیدریه، خواف، سرخس و صالح‌آباد اسکان یافتند (نجف‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۵۱۰). به دلیل خشکسالی و وضعیت بد اقتصادی، بلوچ‌ها در دوره‌های مختلف بعد از انقلاب اسلامی در دهه ۱۳۶۰ به‌تنبوب به شهر مشهد مهاجرت کردند و وارد قلعه‌خیابان شدند و محله تاجرآباد را شکل دادند.

زهرای بلوچ‌های منطقه قلعه‌خیابان بیان کرد:

-بلوچ‌های این محله همه اول رفته بودند سرخس، خواف و صالح‌آباد؛ بعد به‌خاطر خشکسالی آمدند مشهد.

مهاجرت شبکه‌ای: این گروه در مرحله دوم مهاجرت یعنی در دهه ۱۳۸۰ پس از شهادت سردار شوشتری در استان سیستان و بلوچستان و انسداد مرزها و برهم‌خوردن سبک معیشتشان مجبور شدند به مشهد مهاجرت کنند. مهاجرت این افراد برپایه شبکه خویشاوندی و دوستی و همچنین شناخت از جامعه مقصد شکل گرفت. این افراد براساس آشنایی‌ای که از این محله به‌واسطه حضور خویشاوندان خود در این محله داشتند و به‌منظور دستیابی به پیوندهای اجتماعی به این محله مهاجرت کردند که پیامد حضور این قوم، گسترش فضاهای سکونتگاهی و جدایی-گزینی اجتماعی اقوام در سطح محله قلعه خیابان بوده است.

۹.۲.۳. اتخاذ سیاست‌های پذیرش حاشیه به‌عنوان محدوده شهری و مشخص کردن مرز شهری

در اواخر دهه ۱۳۸۰ نقاط اشتراکی درباره شهرک شهید باهنر یا قلعه‌خیابان بین مسئولان شهری شکل گرفت که آن اطلاع‌داشتن از مشکلات این منطقه و تأیید آن مشکلات بود؛ به‌طوری‌که دیگر مشخص بود ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر جمعیت در ۱۶۰ هکتار مساحت با حجم زیاد معضلات کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی را نمی‌توان با دهیاری و شورای اسلامی روستا مدیریت کرد. محله‌ای که به‌دلیل نبود برنامه‌ریزی صحیح مدیران شهری در طول این سال‌ها و نداشتن طرح تفصیلی مصوب و نادیده‌انگاری مدیران استانی و شهری به یکی از محلات حاشیه شهر مشهد تبدیل شد بود؛ از این‌رو در تیرماه سال ۱۳۸۸ در جلسه کارگروه مسکن و شهرسازی استان خراسان رضوی، واگذاری شهرک شهید باهنر به‌عنوان یک ناحیه منفصل شهری به شهرداری مشهد تصویب شد. از سال‌های ۱۳۸۸ به بعد، مدیریت شهری با تغییر سیاست، پذیرش محدوده شهرک شهید باهنر را در محور کار خود قرار داده است. ذکر این نکته ضروری است که سیاست‌های پذیرش و دادن خدمات به حاشیه شهر حکم تیغ دولبه را دارد؛ یعنی اگر اقداماتی مناسب انجام شود، حاشیه امن و پایداری شهری را به‌همراه دارد و اگر اقداماتی ناکارآمد انجام شود، موجب

بازتولید حاشیه و افزایش جمعیت خواهد شد و مشکلاتی را برای حاشیه‌نشینان ایجاد می‌کند. مرور داده‌های جمعیتی و پژوهشی محله قلعه‌خیابان و تصاویر زیر ناکارآمدی این سیاست‌ها را در این محله حاشیه‌ای نشان می‌دهد.



شکل ۳. عکس هوایی از قلعه‌خیابان در سال ۱۳۸۸ شکل ۴. عکس هوایی از قلعه‌خیابان در سال ۱۴۰۰

۴. بحث

مهاجرت فزاینده به شهر مشهد در طول ۶۰ سال گذشته، علاوه بر تغییر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این شهر، افزایش وسعت شهری را نیز به همراه داشته است، به طوری که در طول این بازه زمانی، وسعت شهر مشهد از ۷۸ کیلومتر مربع در سال ۱۳۵۵ به ۳۵۱ کیلومتر مربع در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته که از این میزان ۳۸/۹ متر مربع معادل ۱۱ درصد آن محلات حاشیه شهر مشهد را شامل می‌گردد.

تحلیل یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در کنار مسیر منتهی به مشهد بودن، تشدید خشکسالی، وجود زمین‌های کشاورزی و مهیا بودن بستر اشتغال غیررسمی باید از عنصر محوری مهاجرت نام برد که سبب پیدایش و تشکیل این محلات حاشیه‌نشین و تبدیل آن به حاشیه شهر در پیکر کلان شهر مشهد شده است.

لذا شکل‌گیری محله حاشیه‌نشین قلعه‌خیابان را نمی‌توان خارج از چارچوب پدیده مهاجرت بررسی کرد؛ مهاجرتی که گوناگونی و اتکا به تحولات و اثرات پیامدی غیرپیش‌بینی‌شده سیاست‌های آستان قدس رضوی، مدیریت شهری و کشوری، مهم‌ترین ویژگی‌های آن به شمار می‌رود. در تبیین یافته‌های تحقیق، نظریات بوکان و تولاک (۱۹۶۲) معطوف به انگیزه دولت‌ها در بیشتر کردن منافع خود به واسطه جلب رأی و درآمد و نه برآورده کردن منافع عمومی (سن، ۲۰۰۰) در تبیین سیاست مهاجرت اجباری قوم چلو، تئوری سرمایه‌انسانی لاری ساستاد^۱ در راستای مهاجرت صاحبان صنایع به این محله به واسطه کسب بیشترین بازدهی (ارشاد و حزب‌اوی، ۱۳۸۴، ص. ۶۶۷)

1. Larry Sjaastad

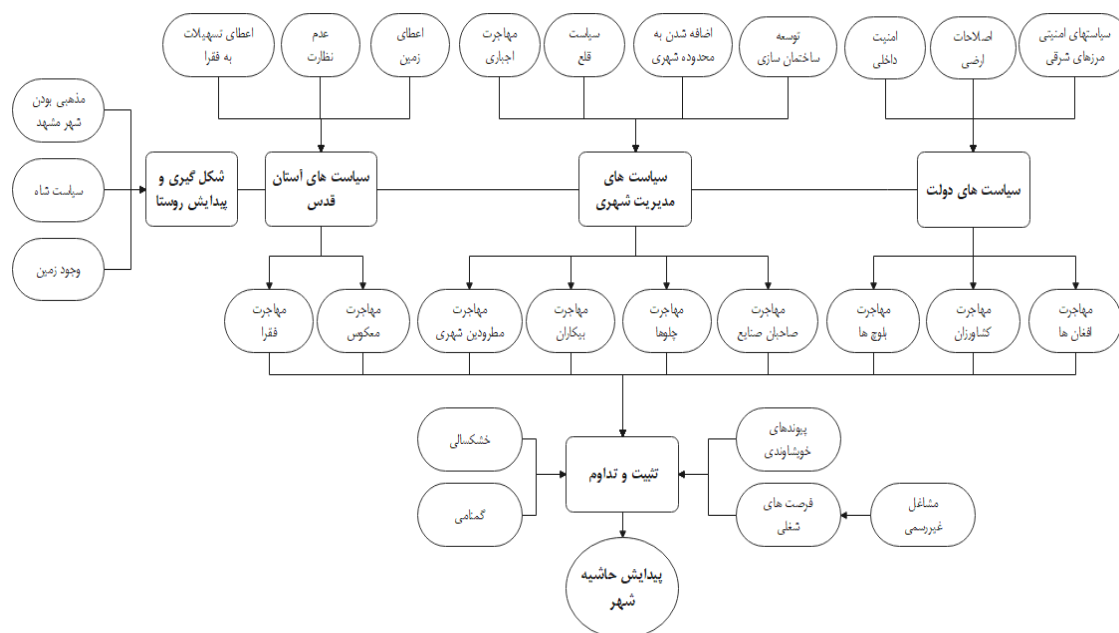
و مهاجرت قوم افغان و بلوچ در چارچوب نظریه شبکه^۱ (سرمایه اجتماعی) قابلیت تبیین شدن دارند؛ زیرا براساس این نظریه، شبکه خویشاوندی و ارتباطی جامعه مبداء، مهاجران قبلی نواحی مقصد را به غیرمهاجران در نواحی مبداء پیوند می دهد (مسی، ۱۹۹۰، ص. ۷).

موج مهاجرت روستائیان محله قلعه خیابان در دهه ۵۰ را با توجه به نظریات صاحب نظران دیدگاه بوم‌شناختی از قبیل کلینارد، مکینتاش، ورت، برگس و هویت می توان مورد بررسی قرار داد به گونه ای که در این دسته مهاجرت‌ها تغییر در نحوه استفاده از زمین‌های شهری، تغییر در وضعیت اجاره، دسترسی راحت‌تر به محل کار، کمبود مسکن متأثر از سیاست‌های دولت مرکزی مطرح می باشد. نظریه بحران منزلتی^۲ نیز از جمله نظریات در تبیین تحولات منجر به مهاجرت معکوس ساکنین اصیل این محله می باشد که اشاره به وابستگی تصمیم‌گرفتن به مهاجرت به نوع نگاه ساکنان به شأن و منزلت اجتماعی خود در محله دارد (فاطمی امین، ۱۳۹۷، ص. ۶۵). همچنین در چارچوب نظریه محرومیت نسبی منگالام^۳ و شوارزولر^۴ در نظریه محرومیت نسبی نیز مهاجرت معکوس ساکنین محلی این محله حاشیه‌نشین قابلیت تبیین دارد، به طوری که محرومیت ساکنان قدیمی و اصیل محله قلعه خیابان از ارزش‌هایی همچون امنیت، وجود تعاملات صمیمانه، همبستگی افراد با هم و شناخت یکدیگر موجب شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی در آن‌ها شده و این امر آن‌ها را از محله خود دور می کند.

پرکاربردترین تئوری در تحلیل جامعه‌شناختی مهاجرت فقرا و تهیدستان به محله قلعه خیابان در چارچوب نظریات نیازهای مازلو قابلیت بررسی دارد، همچنین مهاجرت مجرمین و آسیب دیدگان اجتماعی به این محله را نیز می توان در چارچوب نظریات اقتصاد جرم بکر و بالخص نظریه کرینش و کلارک تبیین نمود. در این دیدگاه فرض بر این است که مجرم در انتخاب هدف مجرمانه خود تصمیمی کاملاً منطقی و عالمانه می گیرد و برای این کار به جاذبه‌ها و امکانات مکان برای انجام دادن عمل مجرمانه توجه می کند (فاطمی امین، ۱۳۹۷، ص. ۳۱).

در بین این نظریات جایگاه نظریات دیدگاه لیبرالیستی از قبیل روستو، ترنر، آبرامزو لوئیس که پیدایش حاشیه شهر را فرایندی طبیعی و به‌مثابه معلول عوامل داخلی و در جهت گذار از جامعه سستی به جامعه‌ای صنعتی به‌عنوان ضرورتی در فرایند این تحول نام می برند، کمتر اشاره شده است، اما ردیابی نظریات طرفداران نظریه اقتصاد سیاسی فضا که پیدایش مناطق محلات حاشیه‌نشین را ناشی از مهاجرت از نقاط محروم به نقاطی که انباشت سرمایه در آنجا صورت گرفته است، در بیشتر تحولاتی منجر به پیدایش محله حاشیه‌نشین قلعه خیابان مشاهده می گردد.

1. Network theory
2. Status Crisis Theory
3. Mangalam
4. Schwarz –Weller



شکل ۵. نقشه تحلیل مضامین پیدایش حاشیه شهر قلعه خیابان

نگاه تحلیلی به یافته‌های این پژوهش با سایر پژوهش‌های به ما نشان می‌دهد که هر چند حضور فقراء و بیکاران، پاسخگونبودن ظرفیت شهری به نیاز مهاجران، ناتوانی مهاجران برای جذب‌شدن در محیط شهری و طردشدن آن‌ها، تغییرات اقلیمی و خشکسالی از نتایج مشترک این پژوهش‌ها می‌باشد، اما وجه تمایز یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که هر چند بیشتر مطالعات مرور شده، مهاجرت را تنها در یک بعد (مهاجرت روستا-شهر) به‌عنوان علل پیدایش حاشیه‌نشینی معرفی نموده‌اند، اما یافته‌های پژوهش حاضر که بر پایه رویکرد کیفی متمرکز است، نشان داد که علاوه بر مهاجرت روستاییان نباید از مهاجرت شهری (طردشدگان شهری)، مهاجرت قومیتی (چلواها- زاهدانی)، مهاجرت استانی (زاهدانی‌ها-چابهار)، مهاجرت سیاسی (افغان‌ها و پاکستانی‌ها)، مهاجرت فصلی (کارگران فصلی)، مهاجرت معکوس و مهاجرت‌های اجباری غافل ماند.

۵. نتیجه‌گیری

شهر مشهد به عنوان یک کلانشهر مذهبی رشد شهری زیادی را در دهه‌های اخیر تجربه کرده است که تنها ناشی از افزایش و تغییر نرخ جمعیت شهری نبوده، بلکه به عوامل چون مهاجرت به واسطه جاذبه‌ها شهری و دافعه‌های جامعه مقصد وابسته است و امروزه حاشیه‌نشینی بسان کمربندی دور تا دور شهر مشهد در بخش‌های شمال، شمال شرق و شمال غرب را در ۸ پهنه (پهنه جاده قدیم قوچان، پهنه خواجه ربیع، پهنه سیس‌آباد، پهنه دروی، پهنه التیمور، پهنه گلشهر، پهنه قلعه خیابان، پهنه سیدی) و ۶۶ محله شهری به وسعت ۳۸۹۴ هکتار فرا گرفته است.

یکی از این سکونتگاه‌های جدید، محله قلعه خیابان در شهر مشهد است که به طبع عوامل مختلف از یک جامعه روستایی، به محله حاشیه‌نشین شهر مشهد بدل گردیده است. هدف اصلی این مقاله بررسی چگونگی و علل پیدایش قلعه خیابان به عنوان یکی از مناطق حاشیه شهر در کلانشهرها مشهد بوده است که با استفاده از روش تحقیق کیفی و استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق با ۲۱ نفر از نخبگان، ساکنین و معتمدین محلی طراحی و اجرا شد.

تحلیل مضمون داده‌های جمع آوری شده در این پژوهش را با ۸۲ مقوله فرعی، ۲۸ زیر مقوله و ۱۰ مقوله اصلی روبرو نموده است که تحلیل جامعه‌شناختی این مقولات بر پایه دوره‌های تاریخی مشخص ساخت که مداخلات اصلاحات ارضی نقطه آغاز تحولات اجتماعی و کالبدی در محله قلعه خیابان می‌باشد. سیاستی که مهاجرت خرده مالکین، کارگران فصلی و خوشه‌نشینان مهمترین پیامد آن بود که سبب درهم‌شکستن مناسبات کهنه زمین‌داری در این روستا شد. سیاست‌های توسعه شهری در اوایل دهه پنجاه شمسی نیز سبب مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهر مشهد و سکونت جمعیت سرریز شهری به این روستا گردید، جمعیتی که به واسطه تغییر در وضعیت اجاره شهری، کمبود مسکن و ارزانی زمین به این محله مهاجرت کردند و در محله قلعه‌خیابان ساکن شدند و چادرنشینی، اسکان نامناسب شهری و حلبی‌آباد را برای این محله به همراه آوردند.

مهاجرت افغان‌ها، به دنبال امنیت داخلی و عدم امنیت در کشورشان و مهاجرت اقوام بلوچ به واسطه وجود بستر مناسب معیشتی، ارتباط با شبکه اجتماعی و عدم نظارت و برنامه‌ریزی دولت از دیگر تحولات تاثیرگذار بر تغییر ساختار کالبدی و اجتماعی این محله می‌باشد که همراه شدن آن با سیاست‌های مدیران شهری در راستای رهایی از مشکلات داخل شهر و کسب رضایت و مشروعیت سبب مهاجرت اجباری اقوام چلو به این محله شد، سیاستی که ادغام نشدگی این مهاجران در طول بازه زمانی چهل ساله را برای این محله به ارمغان آورده است.

سایر یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هجوم پردشدگان شهری که به تبع سیاست‌های سخت‌گیرانه و قلع مدیریت شهری در دهه ۱۳۷۰ رخ داد یکی دیگر از مهمترین عوامل مهاجرت و پیدایش حاشیه در این محله بود که به تبع خود سبب افزایش ناامنی و نابسامانی‌ها محیطی و اجتماعی گردید و پیامد آن مهاجرت معکوس و خالی شدن سکنه اصیل و قدیمی این روستا بود. در نهایت افزایش حجم معضلات کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی مدیریت شهری را در سال ۱۳۸۸ بر آن داشت که با پذیرش این محدوده و اضافه شدن این محله به شهر مشهد و ارائه خدمات را محور سیاست‌های خود قرار دهد که این سیاست سبب ساز افزایش و بازتولید جمعیت در این محله حاشیه‌نشین شد.

جمع‌بندی تحلیل فرایند چگونگی پیدایش قلعه خیابان، را با عامل محوری مهاجرت روبه‌رو می‌سازد که محصول سیاست‌های شهری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطوح کلان و شهری می‌باشد؛ اگرچه این مقوله‌های اصلی سبب پیدایش این محله حاشیه‌نشین گردیده است، اما سایر پهنه‌های حاشیه‌نشین در شهر مشهد با این تحولات همراه نبوده و پیدایش این پهنه‌ها نگاه عمیق پژوهشگرانه را می‌طلبد، لذا بر پایه نتایج این پژوهش پیشنهادات کاربردی زیر پیشنهاد می‌گردد:

- با توجه به اینکه هسته اولیه پیدایش قلعه ساختمان روستا بوده است، نظارت و برنامه‌ریزی صحیح مدیریت شهری بر ۱۲۸ روستای حریم شهر مشهد به منظور جلوگیری از پیدایش محلات حاشیه‌ای جدید باید در دستور کار قرار گیرد.
- با توجه به عدم ادغام مهاجرین در ساختار اقتصادی و اجتماعی شهر مشهد، پیشنهاد می‌شود مدیریت شهری استراتژی‌های مناسبی برای ادغام مهاجرین بویژه در نواحی حاشیه شهر بکار ببندد.
- وضعیت برخی از گروه‌های حاشیه‌ای مانند چلوه‌ها دهه‌هاست که بصورت لاینحل باقی مانده و این بلا تکلیفی مانع از ادغام آنها در ساختار اقتصادی و اجتماعی شهر مشهد و خروج از وضعیت حاشیه نشینی شده است. پیشنهاد می‌شود وضعیت این گروه‌ها بعد از دهه‌ها مشخص و از حداقل حقوق اجتماعی برخوردار گردند.
- سیاست‌های مدیریت شهری در انتقال گروه‌های مطرود از متن شهر به حاشیه در دامن زدن به وضعیت حاشیه نشینی در شهر مشهد موثر است. اتخاذ سیاست‌های مناسب همراه با توانمندسازی این گروه‌ها در متن شهر می‌تواند از تمرکز این گروه‌ها در حاشیه شهر جلوگیری نماید.
- آستان قدس رضوی بعنوان یکی از بازیگران اصلی در حاشیه شهر مشهد محسوب می‌شود. تحلیل سیاستی اقدامات آستان قدس در حاشیه شهر می‌تواند مسیر اقدامات این نهاد را از حاشیه شهر به مناطق مهاجر فرست به منظور جلوگیری از ایجاد موج‌های مهاجرتی سوق دهد.

کتاب‌نامه

۱. احمدیان، م. ع. (۱۳۸۲). حاشیه‌نشینی: ریشه‌ها و راه‌حل‌ها. *اندیشه حوزة*، (۴۳ و ۴۴)، ۲۷۷-۲۹۵.
۲. احمدی‌پور، ز. (۱۳۷۴). حاشیه‌نشینی در بخش مرکز شهر کرج. *مجله رشد آموزش جغرافیا*، ۳۸.
۳. ارشاد، ف.، و حزباوی، ع. (۱۳۸۴). بررسی برخی انگیزه‌های تمایل به برون‌کوچی از شهر اهواز. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۲)، ۱۰۷-۱۲۰.
۴. اساس شهر شرق، مهندسان مشاور. (۱۳۹۱). *طرح تفصیلی شهرک شهید باهنر: مطالعات پیش‌نیاز تدوین الگوی توسعه، مشهد: طرح مطالعاتی شهرداری مشهد*.
۵. اکبری، ا.، و قربانی، ا. (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل دلایل حاشیه‌نشینی در شهرستان زاهدان (مورد مطالعه: مناطق شیرآباد و کریم‌آباد). *نشریه علمی دانش انتظامی سیستان و بلوچستان*، ۱۱(۳۶)، ۴۱-۵۷.
۶. اکبری، ح. (۱۳۹۴). *آسیب‌ها و نابهنجاری‌های محلات شهر مشهد*. مشهد: طرح پژوهشی شهرداری مشهد.
۷. بهمنی، س.، و ملتفت، ح. (۱۳۹۹). مطالعه داده‌بنیاد پیدایش حاشیه‌ها بر پیکر کلان‌شهر اهواز. *فصلنامه علمی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۲(۳)، ۸۶-۱۱۴.
۸. پیران، پ. (۱۳۷۳). *آلونک‌نشینی در ایران: دیدگاه‌های نظری*. *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۴، ۹۴-۱۰۱.

۹. حسین‌زاده یزدی، س.، و یعقوبی، ع. (۱۳۹۹). بررسی علل و پیامدهای حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرهای کشور (بررسی موردی: حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر مشهد). *فصلنامه راهبرد توسعه*، ۶۴، ۳۲-۶۶.
۱۰. رضایی فرخ، ا. (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی علل ناکارآمدی سیاست‌های حاشیه‌زدایی در شهر مشهد و ارائه الگوی مداخله کارآمد. *مجله راهبردی پژوهشکده فرهنگ و هنر*.
۱۱. زاهد زاهدانی، س. س. (۱۳۶۹). *حاشیه‌نشینی*. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
۱۲. شریعت‌زاده، م. (۱۳۸۲). *ساختارهای مورد نیاز جهت مهار و سازماندهی حاشیه‌نشینی در ایران*. مقاله ارائه‌شده در مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۱۳. شریفی پستچی، م.، جوان، ج.، شایان، ح.، و رهنما، م. ر. (۱۳۹۴). تحلیل علل جمعیت‌پذیری روستاهای حریم مادرشهرها با استفاده از تحلیل عاملی (مطالعه موردی: قلعه‌خیابان مشهد). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۴(۱)، ۲۸-۱۵.
۱۴. فاطمی امین، ز. (۱۳۹۷). *تحلیل نهادی-ساختاری خروج نخبگان از کشور*. رساله دکتری جامعه‌شناسی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۵. فولادیان، م.، و رضایی بحرآباد، ح. (۱۳۹۸). نگاهی به آسیب‌های اجتماعی و جرائم در حاشیه شهر مشهد و بررسی عوامل تسهیل‌کننده آن. *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، ۸(۱)، ۱-۲۷.
۱۶. محسنی، ر. ع. (۱۳۸۹). مسئله حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی با تأکید بر توانمندسازی آن (مطالعه موردی: حاشیه‌نشینان شهر گرگان). *فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی*، ۲(۴)، ۱۳۳-۱۵۲.
۱۷. محمدپور، ا. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش* ۲. تهران: جامعه‌شناسان.
۱۸. محمد، ع. ر.، و مطیعی لنگرودی، س. ح. (۱۳۸۷). *ارتباطات مرکز و پیرامون شهر و روستا*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور.
۱۹. مرکز آمار ایران. (۱۳۳۵). *کتاب سال آمار*. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۲۰. مرکز آمار ایران. (۱۳۵۴). *کتاب سال آمار*. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۲۱. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۲. موحد، ع.، و ظریفی، ک. (۱۳۹۱). *بررسی ابعاد اقتصادی/اجتماعی و کالبدی هشت منطقه حاشیه‌نشین شهر مشهد*: اولین کنفرانس اقتصاد شهری ایران، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۳. مولوی، ع. ح. (بی‌تا). *پیش‌نویس فهرست موقوفات آستان قدس رضوی* (جلد اول). مشهد: ذیل خیابان.
۲۴. نجف‌زاده، ع. (۱۳۸۸). *اقلیت‌ها، اقوام و گروه‌های مهاجر ساکن مشهد به انضمام گزارش‌های یوسف خان هراتی*. مشهد: طرح پژوهشی مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.
۲۵. نجف‌زاده، ع. (۱۳۹۲). *گروه‌های مهاجر به مشهد از صفویه تاکنون*. مشهد: انتشارات مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.

27. Böhn, A., Schneider, F. (2011). Corruption and the shadow economy: Like oil and vinegar, like water and fire? *International Tax and Public Finance*, 19, 179-194.
28. Clinard, M. B. (1966). *Slum and community development*. New York: The free Press.
29. Fegue, C. (2007). Informal settlements' planning theories and policy making in sub-saharan Africa—from 'site to 'people': A critical evaluation of operations 'Murambatsvina' and 'Garikai' in Zimbabwe. *International Journal of Sustainable Development and Planning*, 2(4), 445-460.
30. Johnson, Ch. (2004). *Afghanistan*. UK: Oxfam GB.
31. Schwarzer, R., Hahn, A., & Schröder, H. (1994). Social integration and social support in a life crisis: Effects of macrosocial change in East Germany. *American Journal of Community Psychology*, 22, 661-683.
32. Sen, A. (2000). *Social exclusion: Concept, application, and security*. Office of Environment and Social Development Asian Development Bank.
33. Townsend, P. (1979). *Poverty in United Kingdom: A survey of household resources and standards of living*. England: Penguin Books Ltd, Middlesex.
34. Zhang, L. (2011). The political economy of informal settlements in post-socialist China: The case of Chengzhongcun(s). *Geoforum*, 42(4), 473-483.